



آیت الله حاج سید مسیح موسوی

عالم ربانی، متقی و پرهیزکار

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادَةِ الْعُلَمَاءِ
(تنها علما و دانشمندان از خدا می ترسند)

مقام و فضیلت علم و ارزش‌های معنوی آن بر کسی پوشیده نیست، چرا که نقش علمای اسلامی در هدایت مردم و جهت دهی در سیر تکامل و سوق به صراط مستقیم بسی بارز، آشکار و برجسته است. رسول اکرم (ص) در این باره به اباذر غفاری می فرماید: «ای اباذر، ساعتی درک محضر علم بالاتر از هزار مرتبه ختم قرآن از اول تا انتها است.» و در جایی دیگر می فرماید: «بیشترین ارزش برای کسانی است که بیشترین دانش‌ها و علوم را آموخته‌اند.»

آیت الله حاج سید مسیح موسوی از سلاله سادات منتسب به امام موسی ابن جعفر (ع) در روستای **بادجان فریدن** متولد شد. نور علم و تقوا در همان اوان کودکی در چهره معصومانه‌اش ظاهر گردید و در آن سن و سال مقید به انجام احکام شریعت بود. در آغاز نوجوانی با ارشاد و راهنمایی‌های آیت الله حاج شیخ عبد الخالق عبداللهی، از زادگاهش به اصفهان مهاجرت نمود و ضمن ادامه تحصیلات در دروس جدید، همزمان وارد حوزه‌ی علمیه شد و تحت تعالیم اساتید خود، مراتب علم و تقوی را توأمًا فرا گرفت. زهد و اخلاص او تا آنجا بالا گرفت که حضرت آیت الله حاج آقا حسین خادمی استاد مبرز او

به شاگردانش توصیه می‌کرد، در رعایت تقوی الهی، او را سرمشق قرار دهند. هرگز به روی نامحرمی دیده نگشود و هیچگاه کلامی به دروغ بر زبانش جاری نشد. همواره اهل خانه و دوستان را از تهمت و غیبت بر حذر می‌داشت. خدا را دائم ذکر می‌گفت و حُب او را در دل می‌پروراند تا در این راه به مقامات عالیه معنوی و عرفانی دست یافت. در زمینه حیای چشم و تسلط و غلبه بر نفس به درجه‌ای از معنویت نائل شده بود که استاد و رئیس حوزه علمیه اصفهان حضرت آیت الله مظاهری، در این باب گفته‌اند: «گویی آقا سید مسیح موسوی، از فحشا و منکرات فعلی خبر ندارند.» سرانجام در اثر مجاهدت‌ها و تلاش‌های شبانه‌روزی، خود ضمن دست‌یابی به مراتب بالای تقوی و روح خدا ترسی، در کسب معارف حقّه الهی و علوم عالی حوزه به یکی از شاگردان برجسته آیت الله خادمی مبدّل گشت و به تدریس و تألیف علوم آل محمد و ضبط احادیث و روایات حضرات ائمه معصومین علیهم صلوات الله اجمعین همت گماشت که تألیفات قلمی ایشان نزدیک به ۴۳ جلد کتاب و جزوه‌ی کوچک و بزرگ است.

ایشان در ساده زیستی زبازد بودند و با در اختیار داشتن منابع مالی فراوان که شرعاً و به حق اجازه استفاده از آن را داشتند، هرگز ریالی از آن را در راه امرار معاش خویش مصرف نکردند. در این خصوص حضرت آیت الله مظاهری فرموده‌اند: «این مرد متدین و انقلابی، یک امتیاز داشت که این امتیاز در میان علماء کم نظیر است و آن ساده زیستی این مرد بزرگ بود و همین قدر به همه، خصوصاً اهل علم بگویم که این مرد بزرگ در ساده زیستی شباهت به حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» داشت.»

در باب اعراض از دنیا و توجه نکردن به زرق و برق آن، نقل شده است: در یکی از دیدارهای روز عید که مدیر کل وقت اداره کار و امور اجتماعی استان اصفهان (ایشان سال‌ها در آن اداره اقامه نماز می‌کردند)، به منزل ایشان آمده بودند، مشاهده شد بر اثر باران سقف خانه گلی ایشان تخریب شده و نیاز به مرمت و بازسازی دارد. همان شب پیشنهاد تعمیر آن را داده بودند که ایشان در پاسخ فرموده بودند: «بنده تا زنده هستم همین خانه برایم کافی است، زیرا همین جا هم می‌شود زندگی کرد، بعد از من هم بچه‌ها خودشان می‌دانند چه کنند.»

مرید پیر مغانم زمن مرنج ای شیخ چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد

از این نمونه‌ها که حاکی از روح بلند آزاد اندیشی، عزت نفس و تقوای خالصانه ایشان بود، بسیار می‌توان یافت. مشارالیه حدود بیست سال در اداره کار و امور اجتماعی اقامه نماز کردند و به بیان اعتقادات و احکام شرعی مشغول بودند. در دفاع از مظلوم، تمام همت خویش را به کار می‌بست و از متعرض به حقوق خدا و مردم دوری می‌جست، ولو اینکه تجاوزگر از آشنایان و یا بستگان او باشد.

نظر در اوصاف و احوال این فرزند خاندان عصمت و طهارت، ما را به یاد کلام حضرت

مسیح ابن مریم صلوات الله علیه می اندازد که در پاسخ حواریون خویش که سؤال نموده بودند، با چه کسی همنشین باشیم؟ فرموده بودند: «با کسی همنشینی کنید، که هر گاه به چهره اش نگاه می کنی و به اعمال و حرکات و سکنت او نظر می افکنی، یاد خدا را در دلتان زنده کند.»

سیمای منور و الهی این مرد وارسته و اعمال و رفتار انسانی این عبد شایسته و صالح، اطرافیان و نزدیکان را تحت تأثیر قرار می داد. نگاه نافذ و مهربانانه، سخنان شایسته و پدرا نه، رفتار ترحم آمیز با خردسالان، احترام در خور و شایسته به جوانان و نوجوانان، خضوع مفرط در مقابل عالمان دینی و خشوع نسبت به پدر و مادر، تکریم ارحام و خویشاوندان، دستگیری از مستمندان و ... ویژگی های یک انسان کامل را در او به منصفه ظهور رسانده بود.

وی به مستحبات اهتمام تام و کامل داشت و از مکروهات به شدت پرهیز می کرد. از خصوصیات بارز ایشان این بود که همیشه در جلسات خصوصی و عمومی، روایت یا حدیثی از خاندان عصمت و طهارت برای حاضران بیان می نمودند و آنچنان به احادیث تسلط داشتند که در هر مقوله ای و هر موضوعی روایات مربوطه را از حفظ بیان و روایت آن را ذکر می کردند. در روایاتی که یکی از بستگان نزدیک او یک هفته بعد از فوتش دیده بود، ایشان مطالبی به این مضمون گفته بودند: «من بخاطر بیان روایات و احادیثی که از اول عمر تا به حال در وصف ائمه اطهار و حضرت علی (ع) گفته بودم، مخصوصاً استفاده از کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی، و منابعی که ربالی بابت آن از کسی نگرفته بودم، دیشب همه مزدم را از خود امیر المومنین (ع) اخذ کردم»

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن
که خواجه خود روش بنده پروری داند
غلام همت آن رند عافیت سوزم
که در گدا صفتی کیمیاگری داند (حافظ)

در مراودات دوستانه اش با همراهان و رفیقان خصوصاً با جوانان رفتاری در خور و شأن یک انسان محترم و متشخص داشت. معروف را با تمام معروفیتش متذکر می شد و منکر را با تمام قدرت و توانش نهی می نمود. در این خصوص حضرت آیت الله مظاهری رئیس حوزه علمیه اصفهان در برنامه در شام چهلم درگذشت ایشان فرموده بودند: «مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید مسیح موسوی یکی از علمای خوب اصفهان بودند و جای او خالی است. عالمی بود متدین، مبارز و در باب امر به معروف و نهی از منکر خیلی کوشا بود.»

در حمایت از انقلاب اسلامی از ابتدا تا آخر عمر ذره ای کوتاهی نکردند و همه مشکلات، از شکنجه های مزدوران ساواک ستمشاهی تا بی مهری های مقدس مآب های

بی درد متعرض به قیام امام خمینی (ره) را به جان خریدار شده بود. در این رابطه حجت‌السلام حاج شیخ احمد سالک نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در مراسم هفتمین روز در گذشت ایشان فرمودند: «اولین اطلاعیه‌ای که در دفاع از امام خمینی (ره) در اصفهان منتشر شد، امضاء کار ساز و راه‌گشای ایشان جزء اولین تأیید کنندگان آن اعلامیه بود و واقعاً مایه‌ی دلگرمی برای ما جوانان پر شور و انقلابی آن روز بود و امضای ایشان حقیقتاً گره‌گشای امضاهای بعدی شد. ایشان همیشه خود را مدیون انقلاب و خون شهدا می‌دانست و نعمت انقلاب اسلامی را در منابر و مجالس متذکر می‌شدند.»

در ایام تبلیغ در زمستان‌های سخت، از اصفهان به سوی فریدون شهر روستای زادگاهش بادجان می‌رفت و می‌فرمودند: «من در مقابل این مردم و اقوام خویش در زادگاهم وظیفه سنگین دارم. باید بروم و مطالبی را که نیاز آنها است برایشان بازگو کنم.» در دل شب اقامه نماز شب می‌کرد و تا اذان صبح به تهجد و شب زنده‌داری مشغول بود و هنگام صبح راهی مسجد می‌شد. در هر شرایطی سجده شکر به جای می‌آورد و خویشتن را ملزم می‌دانست در مقابل معبود یگانه سر بر آستان حق فرود آورد و زبان به حمد و ثنای ایزد منان بگشاید. در نظافت منزل و شستن ظروف غذا و لباس‌های خودشان و آماده کردن سفره کمک می‌کردند. کتاب‌های فرسوده و پاره‌شده را صحافی و ترمیم و تصحیح می‌نمودند.

ایشان مناعت طبع بالایی داشتند و خیلی بزرگوارانه با پیشنهادهای مادی دیگران برخورد می‌کردند. زیاد اتفاق می‌افتاد، در مراسم خطبه عقدی که برای زوج‌های جوان جاری می‌کردند، پول عقد را به عروس یا داماد هدیه می‌کردند و حتی در اداره کار و امور اجتماعی که اقامه نماز می‌کردند و سخنرانی داشتند، حق الزحمه‌ای دریافت نمی‌نمودند و می‌گفتند: «نمازی که برای پول خوانده شود، نه به درد من امام جماعت می‌خورد و نه شما که مأموم هستی!».

مرحوم آیت الله حاج آقا مسیح موسوی تا آخرین لحظات حیات پر برکت خویش، دست از انجام وظیفه و رسالت خویش برنداشتند و حتی زمانی که به خاطر عارضه‌ای که برای ایشان پیدا شده بود و جهت عمل جراحی روی تخت بیمارستان شهید آیت الله صدوقی اصفهان قرار گرفته بودند، برای تیم پزشکی و پرستاران روایات و احادیث می‌خواندند. وی سرانجام در سحرگاه روز بیست و نهم خرداد ماه سال ۱۳۸۴ شمسی در شب شهادت حضرت زهرا(س) دیده از جهان فانی فروبست و به لقاء خداوند شتافت و در قطعه ۲۴ آرامستان باغ رضوان اصفهان مدفون گردیدند.

روحش شاد و قرین رحمت الهی باد.

منبع:

خانواده (زندگی نامه ارسال شده توسط خانواده‌ی ایشان)